





دانشگاه صنعتی اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش: مبانی نظری اسلام

عنوان:

تقد و بررسی نظریه علم دینی در فرهنگستان علوم

اسلامی

استاد راهنما:

دکتر علیرضا پیروزمند

استاد مشاور:

دکتر رضا حاجی ابراهیم

نگارش:

حمید بیات

۹۰/۱۱/۱۵

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر،
نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... برای دانشگاه
معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر
مأخذ بلامانع است.

با تقدیر و تشکر از پدر و مادر مهربان و همسر فدایکارم که حضور
در دانشگاه معارف را مدیون دعاهای خیر او هستم، حقوق معنوی
این رساله را به نائب بر حق امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف، رهبر فرزانه و
بی بدیل جهان اسلام حضرت ایت الله خامنه‌ای مد ظله العالی روحی له
الفداء تقدم می‌کنم و عرضه می‌دارم «**يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا**
الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاهُ فَأُوفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقَ عَلَيْنَا
إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»

با تشکر فراوان از تمامی اساتیدی که در این دوره تحصیلی از
حضورشان کسب فیض کردم ، از همکاری صمیمانه تمامی اعضای
فرهنگستان نیز که مرا در تدوین این پایان نامه یاری کردند،
سپاسگزاری می کنم

چکیده:

عنوان پایان نامه: نقد و بررسی نظریه علم دینی در فرهنگستان علوم اسلامی
کلمات کلیدی: فرهنگستان علوم اسلامی، علم دینی، اصالت فاعلیت، حرکت، دین، ملاک حجیت، علم، جهت داری علم، اختیار، علیت

بحث علم دینی از مباحث مهم عصر ماست. از عمر این بحث چند دهه بیشتر نمی‌گذرد، اما در کشورهای اسلامی به بحث روز تبدیل شده است. بزرگانی همچون شهید صدر و شهید مطهری مباحثی در اینباره مطرح کرده بودند، ولی در دهه‌ی اخیر به صورت جدی در میان اندیشمندان اسلامی و مراکز علمی به صورت یک مسئله حیاتی ظهور کرده است. از جمله این مراکز فرهنگستان علوم اسلامی است. این آکادمی توسط مرحوم سید منیر الدین حسینی هاشمی تأسیس گردید و با همت برخی از شاگردانش، همچون حجت‌الاسلام و المسلمین میرباقری توسعه یافت.

رساله حاضر در پی آن است تا با تبیین مبانی علم دینی از منظر فرهنگستان، ارزیابی منصفانه‌ای از آن رائئه دهد. این تبیین و ارزیابی در سه فصل صورت گرفته است. در فصل اول، ابتدا، ضرورت و مراحل دست‌یابی به علم دینی از منظر فرهنگستان بیان شده و سپس مبانی فلسفی، کلامی و فقهی علم دینی تبیین گشته است. در فصل دوم، علم دینی از منظر جامعه‌شناسی، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی تقریر شده و در فصل سوم به این دیدگاه مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. در این رساله با تأکید بر نقاط قوت این دیدگاه، دو نکته مورد دقت قرار می‌گیرد، اول اینکه، این دیدگاه باید تکمیل گردد و بیشتر و بهتر در معرض مجامع علمی قرار گیرد و دوم، اظها نظر نهایی در مورد آن زمانی صورت می‌گیرد که در عمل موفق باشد.

فهرست مطالب

کلیات

۱.....	بیان مسئله
۴.....	پیشینه تحقیق
۴.....	جنبه نوآوری تحقیق
۴.....	ضرورت تحقیق
۴.....	هدف از تحقیق
۴.....	سؤال اصلی و سوالات فرعی
۴.....	فرضیه تحقیق
۴.....	روش تحقیق
۵.....	روش و ابزار گردآوری اطلاعات

فصل اول: خاستگاه و مبانی

۷.....	ضرورت ایجاد علم دینی از منظر فرهنگستان
۷.....	مقدمه
۷.....	ضرورت تولید علم دینی در سطح بین الملل
۷.....	جلوگیری از مصادره مقدورات جهان اسلام
۸.....	رفع ناکارآمد جلوه دادن یا انزوای دین
۹.....	جلوگیری از انزوای دین
۹.....	ضرورت تولید علم دینی درسطح ملی
۹.....	جلوگیری از فرسایش ارزشها و خروج از تشتت
۱۰.....	جلوگیری از حذف دین در جامعه
۱۱.....	مقدمات و مراحل دستیابی به علم دینی
۱۱.....	مقدمه: اهمیت و جایگاه بحث از منظر فرهنگستان
۱۱.....	مقدمات دستیابی به علم دینی
۱۲.....	مرحله اول: استفاده از علوم موجود
۱۳.....	مرحله دوم: بازخوانی نظریه‌ها و فرضیه‌های موجود
۱۳.....	مرحله سوم: تبیین مدل علم دینی
۱۶.....	مبانی
۱۷.....	ترمینولوژی بحث
۲۰.....	مبانی فلسفی

۲۰.....	گذر از اصالت ماهیت و وجود
۲۱.....	اصول انکار ناپذیر
۲۱.....	تغایر فی الجمله
۲۲.....	تغییر فی الجمله
۲۲.....	هماهنگی فی الجمله
۲۲.....	مراحل اجتناب ناپذیر
۲۳.....	مرحله اول: اصالت ربط
۲۴.....	مرحله دوم: اصالت تعلق
۲۵.....	مرحله سوم: اصالت فاعلیت
۲۵.....	بیان سلبی در ضرورت اخذ فاعلیت به عنوان حد اولی و خصوصیات آن
۲۶.....	ضرورت فاعلیت در تعلق و تعلق در فاعلیت
۲۶.....	تقسیم فاعلیت
۲۷.....	تفسیر فاعل تعلقی به فاعل تبعی
۲۸.....	مقدم بودن اضافه بر فاعلیت
۲۸.....	تقوم فاعلیت به تبعیت
۲۹.....	توصیف اثباتی نظام فاعلیت (نظام ولایت)
۲۹.....	تفسیر فاعلیت به ایجاد
۳۰.....	عدم امکان توصیف مکانیزم ایجاد
۳۰.....	تقوم در اصل فاعلیت
۳۱.....	تفسیر فاعلیت به ولایت
۳۲.....	تقوم
۳۲.....	توصیف تقوم بر اساس مبنای ولایت
۳۴.....	تقوم فاعلیتهای تصرفی
۳۵.....	حرکت
۳۶.....	توصیف حرکت به اضافه
۳۷.....	ضرورت تعلق در حرکت
۳۷.....	ضرورت فاعلیت در حرکت
۳۷.....	ضرورت مقصد در حرکت
۳۷.....	ضرورت جاذبه طرفینی در حرکت
۳۸.....	ضرورت فاعلیت برای مقصد
۳۸.....	موضوع حرکت در اصل فاعلیت
۳۹.....	نفی جهت ثابت و قاتون حاکم در حرکت بر اساس نظام فاعلیت
۴۰.....	معرفی امر ثابت بر مبنای ولایت
۴۱.....	توسعه

۴۴.....	مبانی کلامی فرهنگستان
۴۵.....	خاستگاه دین
۴۶.....	قرآن و جریان ریویت الهی
۴۷.....	هدایت تکوینی و تشریعی در عالم
۴۸.....	اراده وصی مجرای جریان اراده الهی
۴۹.....	قلمرو و غایت دین
۵۰.....	نیازمندی به دین تابع تعریف انسان
۵۰.....	مفهوم و شؤون مختلف پرستش
۵۱.....	احتیاج به دین در تمامی عرصه‌های پرستش
۵۲.....	ماهیت دین
۵۴.....	معرفت شناسی دینی (مبانی فقهی)
۵۵.....	دایره تفقه
۵۶.....	ملاک حجیت تفقة
۵۷.....	ملاک دینی شدن سایر علوم
۵۷.....	ملاک تغییر در معرفت دینی
۵۸.....	تفاوت‌های نظریه فرهنگستان با نظریه قبض و بسط شریعت
۵۸.....	اصول نظریه قبض و بسط
۵۹.....	نکاتی که به صورت ضمی در نظریه مطرح شده
۵۹.....	وحدت روش شناختی خرد
۵۹.....	وحدت معرفت شناختی کلان و تبیین معرفت دینی بر اساس آن
۶۰.....	مبانی نظریه
۶۱.....	تفاوت‌ها
۶۲.....	خلاصه‌ی فصل اول
	فصل دوم: علم و علمی
۶۳.....	مقدمه
۶۴.....	ترمینولوژی
۶۴.....	تبیین علم دینی از منظر جامعه شناسی
۶۴.....	مراد از وحدت جامعه در نظام ولایت
۶۵.....	اثبات وحدت بر اساس تقویم در نظام ولایت
۶۶.....	اثبات جهت داری از منظر جامعه شناسی
۶۷.....	رابطه نیازها و محصولات
۶۷.....	رابطه محصولات و تکنولوژی
۶۸.....	رابطه تکنولوژی و علم
۶۸.....	نظامداری نیازها بر محور واحد

۶۹.....	تفاوت جدی نیازهای جامعه اسلامی و الحادی.
۷۰	رفع سه شبیه...
۷۸.....	تبیین علم دینی از منظر روش شناسی(منطق عام)
۷۸.....	جهت داری علم بر اساس تأثیر اصول موضوعه و غیر اسلامی بودن علوم موجود
۷۸.....	تئوری و استقراء.....
۸۰.....	اصل موضوعه در تئوری...
۸۰.....	معیار صحت در تئوریهای موجود علمی
۸۱.....	اقتصاد
۸۳.....	سیاست
۸۶.....	بررسی جهت داری و غیر اسلامی بودن علوم تجربی.....
۸۶.....	مقدمه اول: منحصر بودن «طريق تجربه» به یک راه.....
۸۷.....	مقدمه دوم: معیار صحت نبودن وقوع.....
۸۸.....	رابطه اصول موضوعه علوم تجربی با علوم انسانی.....
۹۰.....	معیار صحت قوانین علمی از منظر فرهنگستان
۹۰.....	نقد روش «فرضی-استنتاجی».....
۹۰.....	ارکان روش «فرضی-استنتاجی».....
۹۱.....	وظیفه نظریه.....
۹۱.....	وابستگی نظریه به اصل موضوعه.....
۹۱.....	محور اول: ضرورت اصول موضوعه در نظریه.....
۹۲.....	محور دوم: ارتباط یافتن علوم از طریق اصول موضوعه.....
۹۲.....	محور سوم: تأثیر وحی، بر عقل و حس در تعیین اصول موضوعه.....
۹۲.....	محور چهارم: بعض شرایط اصول موضوعه.....
۹۳.....	معیار صحت قوانین علمی در روش فرضی - استنتاجی.....
۹۳.....	اثبات پذیری و نقد آن.....
۹۴.....	ابطال پذیری و نقد آن.....
۹۵.....	پیش رونده بودن و نقد آن.....
۹۵.....	کارآیی در جهت و ویژگیهای آن.....
۹۸	تبیین روش عام به عنوان منطق دستیابی به علم دینی در علوم مختلف
۹۸	معنای روش عام.....
۹۸.....	ضرورت و هدف روش عام.....
۹۹.....	نسبت فلسفه و روش.....
۹۹.....	ویژگیهای روش عام.....
۱۰۰.....	روش عام، فراهم آورنده قدرت «هماهنگ سازی، تشخیص و تفاهم» در جامعه.....
۱۰۰.....	روش عام، ابزار هماهنگ سازی رفتارهای اجتماعی.....

شمولیت روش عام نسبت به همه مجاری شناخت.....	۱۰۰
تعمیم پذیری و قابلیت تبدیل در مفاهیم روش عام.....	۱۰۰
ضرورت بازگشت فلسفه فیزیک و ریاضی به مبنای واحد.....	۱۰۱
تبیین علم دینی از منظر معرفت شناسی.....	۱۰۳
تعريف علم از منظر فرهنگستان.....	۱۰۴
مراد از علم در دیدگاه فرهنگستان.....	۱۰۴
تقدم روح بر ذهن و عین.....	۱۰۴
تعريف انگیزه و نظام حساسیت و چگونگی شکلگیری آن بر مبنای فاعلیت.....	۱۰۴
ناسازگاری «علیت» و «اختیار».....	۱۰۵
عدم امکان گریز از شمولیت قانون «علیت».....	۱۰۵
ضرورت دریافت «علیت» در پدیده ای به نام «اراده».....	۱۰۷
ناتمام بودن تفسیر «اختیار» به «فاعلیت بالرضا».....	۱۰۸
متتفی شدن «علم» و «ایمان» در جبر علیتی.....	۱۰۹
تقدم اراده بر علم.....	۱۱۰
تقدم علم بر انگیزه بعد از اختیار جهت.....	۱۱۱
تعريف علم.....	۱۱۱
مکانیسم پیدایش علم (تکیف، تبدل، تمثیل).....	۱۱۲
تکیف.....	۱۱۲
تبدل.....	۱۱۴
تمثیل.....	۱۱۵
نفی تطابق مطلق - اثبات جهت داری مطلق - و اثبات عدم تلازم این نظریه با نسبیت گرایی مطلق.....	۱۱۵
نفی تطابق مطلق - اثبات جهت داری	۱۱۵
مقدمه.....	۱۱۵
مفهوم جهت داری علوم و نسبیت در فهم.....	۱۱۵
انواع مختلف جهت داری و نظر فرهنگستان در این مورد.....	۱۱۶
مروری بر مبانی گذشته و اثبات جهت داری بر اساس حرکت.....	۱۱۶
نفی نسبیت مطلق.....	۱۱۸
ملاک حجیت.....	۱۱۹
نتیجه گیری.....	۱۱۹

فصل سوم نقد و بررسی

نقدهای مبنایی.....	۱۲۱
نقسان فلسفه شدن به علت مضاف بودن آن.....	۱۲۱
نقسان فلسفه شدن فرهنگستان به علت نپرداختن به فلسفه چیستی و چرایی.....	۱۲۵
نقسان فلسفه شدن فرهنگستان، به علت منحصر دانستن موضوعات فلسفه در سه مستله.....	۱۲۶

۱۲۸.....	انشایی بودن گزاره علمی از منظر فرهنگستان
۱۲۸	ملاک ترجیح و حجت نظرات مختلف در باب علم دینی
۱۳۰	نقدهای معرفت شناختی به نظریه فرهنگستان
۱۳۰	بی معنا بودن بحث از صدق و کذب
۱۳۳.....	تقدم اراده و نسبی شدن فهم
۱۳۶.....	عدم تفکیف بین مقام «گردآوری» و «داوری»
۱۳۷.....	نقدهای لوازم
۱۳۷.....	واقع گرایی یا ابزارگرایی در اعتقاد به وجود خداوند
۱۳۸.....	شناخت انگیزه و اراده خود و دیگران
۱۳۹.....	ابطال ناپدیر بودن دیدگاه فرهنگستان
۱۴۰.....	عدم امکان ایمان آوردن غیر مؤمنین
۱۴۱.....	تأملات و نتیجه گیری
	پیوست: علیت و اختیار
أ	چگونگی تعامل فاعلها در «نظام فاعلیت»
ب	تفاوت های اصل «فاعلیت» با اصل «علیت»
ب	بلاموضع شدن ضرورت علیتی در مبنای جدید
ت	مقایسه مفهوم «قانون» در دو مبنای فوق
۱۴۳.....	منابع
۱۴۶.....	نمایه اصطلاحات
۱۴۹.....	نمایه اشخاص

کلیات

۱-۱. بیان مساله

رابطه بین علم و دین چیست و اگر میان آنها تباین کلی وجود ندارد چه تاثیری بر یکدیگر می-گذارد؟ فرهنگستان علوم اسلامیاین رابطه را چگونه تعریفمی‌کند و چه تعریفی از علم دینی ارائه می‌دهد؟

نسبت میان گونه‌های مختلف باور آدمی از دیرباز توجه متفکران و اندیشمندان را به خود جلب کرده است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار به جا مانده از فلاسفه یونان و فیلسوفان دوره های پس از میلاد مسیح علیه السلام مشاهده کرد. در میان اصلاح مختلف باور انسانی حوزه‌های علم و دین را می‌توان از مطرح‌ترین حوزه‌های باور انسانی دانست. انسان در طول تاریخ برای کسب معرفت و شناخت همواره از دو منبع بهره می‌برده است یکی وحی و حجت ظاهربی، که خداوند به واسطه پیامبران و از طریق کتب آسمانی، انسان را با حقایق پیدا و نهان جهان آشنا کرده است و منبع دیگر عقل و حجت باطنی، که آدمی را از راه دقت در پدیده‌های طبیعی و تلاش فکری و تجربی به کسب معرفت و دانش نائل شده است. شاید بتوان گفت یکی از مقدم‌ترین و مهم‌ترین مباحث درباره رابطه علم و دین مکاتبات گالیله با کشیشها و اسقف‌ها است. در جهان اسلام تعامل میان داده‌های وحیانی و یافته‌های انسانی، در غالب نزاع میان فلسفه، عرفان و کلام پیش آمد. روش تفکر فلسفی که در عصر ترجمه و از طریق یونان وارد جهان اسلام شد مورد عنایت جدی قرار گرفت و استحکام پذیرفت و در همین راستا نزاع میان دو جریان نص گرایی و عقل گرایی از ابتدای قرن دوم هجری شکل گرفت.

با تمام این احوال بحث از رابطه علم و دین و تعارض میان آنها بحث جدیدی است. این بحث با ظهور عصر جدید در غرب و پیشرفت در علوم و فنون و انتقال آن‌ها به ممالک اسلامی پیش آمد. از آنجا که همراه با انتقال این علوم بسیاری از مبانی فلسفی و روشنی جهان غرب هم وارد محیط علمی و

دانشگاهی شد بسیاری از ممالک اسلامی خواسته یا ناخواسته از آرمان‌های اسلامی دست برداشته و سبک و سیاق زندگی خود را مطابق با زندگی جوامع غربی شکل دادند. همین امر باعث شد واکنشهای متفاوتی در برابر پذیرش علم جدید در جهان اسلام رخ دهد. برخی علم جدید را ناسازگار با اسلام تلقی و آن را طرد کردنده عده‌ای با آغوش باز به استقبال آن رفتند و گمان کردند که تنها راه علاج عقب ماندگی جوامع اسلامی تسلط بر علم جدید است. عده‌ای پا را فراتر نهاده و معتقد شدند که حتی الهیات هم باید از روش‌های علوم غربی تبعیت کند.

در ایران نیز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی انتقاداتی از سوی علماء و روشنفکران دینی در باب وابستگی سیستم آموزش عالی به بیگانگان و لائیک شدن جامعه دانشگاهی کشور وجود داشت. در طی چند دهه قبل از انقلاب اسلامی، آموزه‌ها و اندیشه‌های افرادی چون علامه طباطبایی، آیت الله شهید مطهری، آیت الله شهید صدر، آیت الله مصباح یزدی، مهندس بازرگان، مهندس سحابی و طرح مباحث مربوط به مارکسیسم و ادعای علمی بودن آن و مباحث جامعه شناختی و اقتصادی مرتبط با آن را باید از نقاط عطف مناسبات علم و دین در ایران شمرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم، این مسیر با بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی دنبال می‌شد اما بخاطر مسائل پیش آمده از جنگ تحملی و دوران سازندگی این مساله پیشرفت چشمگیری نمی‌یابد.

در دهه اخیر بویژه با تاکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر جنبش نرم افزاری و ساخت علم بومی و دینی، این مساله دچار تحول گسترده‌ای می‌شود و افراد و مراکز صاحب نظری در رد و اثبات آن و مدل دست یابی به آن در کتب، مقالات، سمنیارها و نشستهای علمی مختلفی دست به تبیین این مساله زده‌اند. دکتر پایا، دکتر گلشنی، دکتر باقری حجت الاسلام بستان و همچنین سازمان سمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، فرهنگستان علوم اسلامی و نمونه‌هایی از این افراد و مراکز هستند. مشکل عمدۀ و مشترک این مراکز نداشتند مرآت‌نامه‌ای است که موضع آنها را در قبال تلقی رایج از علم و دین نشان دهد و نوع نگاه آنها را به علم دینی و بومی آشکار سازد. در این زمینه می‌توان گفت که تنها یک استثناء وجود دارد و آن هم فرهنگستان علوم اسلامی است که در سال ۱۳۵۹ توسط مرحوم سید منیرالدین حسینی هاشمی در قم تاسیس شده است و پس از رحلت ایشان در سال ۱۳۷۹ توسط سید محمد مهدی میرباقری مدیریت می‌شود. این مرکز از ابتدا یک مرآت‌نامه مشخص پژوهشی داشته که البته در طول زمان تحول و توسعه یافته است.

منظري که منشا طرح نظریه علوم دینی در فرهنگستان علوم اسلامی شد، کارکرد عینی و حضور دین در عرصه حیات اجتماعی بشر است. اما بدست آوردن این مهم نمی‌تواند با جریان مبانی فلسفی و انسان شناسی غرب حاصل شود از همین رو است که فرهنگستان سعی می‌کند مبانی این امر را هم توصیف نماید.

فرهنگستان در باب تبیین نقشہ کلی این راه قائل است: اولاً، قبل از تعریف علم و دین می‌بایست قلمرو هر کدام مشخص شود و ثانیاً، انسان به عنوان موجودی ماندگار و عبد خداوند متعال معرفی شود؛ ثالثاً باید دقت شود که انسان در تمام شئونات زندگی ناگزیر از پرستش است.

۱- پیشینه تحقیق:

فرهنگستان نشست‌های مختلفی درباره علم دینی داشته، اما هیچ‌کدام این مساله را با تمام ابعادش مورد بررسی قرار نداده‌اند، مثلاً در برخی، مفهوم علم دینی بحث شده، در برخی کلیات بیان شده و در برخی نشست‌ها مبنایی از مبانی علم دینی را بحث کرده‌اند. افراد دیگر هم در این باب یا کلیات و راه دست‌یابی به آن را مورد بررسی قرار داده‌اند یا تنها یکی از مبانی آن را بیان کرده و مورد نقد قرار داده‌اند، از این روی این مقاله می‌تواند اولین مقاله‌ای باشد کهعلم دینی را به صورت گسترده و با توجه تفصیلی به مبانی آن مورد بررسی قرار می‌دهد. البته برخی از مبانی فرهنگستان نیز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته که ممکن است در بحث ما نیز تأثیر گذار باشد. در فصل آخر سعی خواهد شد این سخنان را مطرح کنیم و مورد بررسی قرار دهیم.

۲- جنبه نوآوری تحقیق

- ۱- تفصیل علم دینی از منظر فرهنگستان با توجه به مبانی و روش آن.
- ۲- بررسی نقدهای انجام شده و کمک به تفاهم بیشتر این نظریه

۳- ضرورت تحقیق

سلط خاموش فرهنگ بیگانه بر اکثر عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی ما، بوسیله پیش‌رفت در علم و تکنولوژی، و در نتیجه عرفی شدن دین از خطرات بزرگی است که جامعه ما را تهدید می‌کند از این روی هر تحقیقی برای تبیین مبانی و روش رسیدن به علم دینی از ضرورت خاصی برخوردار است.

۱-۵. هدف از تحقیق

۱-۵-۱. آشنا سازی جامعه علمی با برخی مبانی فرهنگستان و کمک به زدودن برخی از شباهت نسبت به این دیدگاه و هموارتر ساختن مسیر دست یابی به علم دینی در سایه تضارب آراء.

۱-۵-۲. ارزیابی و نقد این دیدگاه

۱-۵-۳. بررسی مشکلات پیش رو در فعلیت بخشیدن به علم دینی از این منظر

۶-۱. سوال اصلی و سؤالات فرعی

سؤال اصلی: هندسه علم دینی از منظر فرهنگستان چیست و آیا قابل قبول است؟

سؤالات فرعی:

۱- مبانی فلسفی فرهنگستان در تبیین علم دینی چیست؟

۲- مبانی کلامی فرهنگستان در تبیین علم دینی چیست؟

۳- مبانی فقهی فرهنگستان در تبیین علم دینی چیست؟

۴- فرهنگستان علم دینی را از منظر جامعه شناسی چگونه تبیین می کند؟

۵- فرهنگستان علم دینی را از منظر روش شناسی چگونه تبیین می کند؟

۶- فرهنگستان علم دینی را از منظر معرفت شناسی(روان شناسی) چگونه تبیین می کند؟

۷- نقدهایی که بر فرهنگستان صورت گرفته تا چه حد دقیق بوده اند؟

۸- ایجاد علم دینی از منظر فرهنگستان با چه موانع، مشکلات و نقصانی روبرو است؟

۱-۷-۱. فرضیه تحقیق

از آنجا که این نظریه هنوز کاربردی نشده نمی توان قضاوت نهایی را در مورد آن نمود اما از نظر هماهنگی بین گزاره های علمی، می تواند با معرفی بیشتر تکامل یابد و به عنوان مبانی برای دست یابی به علم دینی تکمیل گردد.

۱-۸. روش تحقیق

این تحقیق عمدتاً بر اساس روش تحلیلی توصیفی است و سعی می شود با توصیف مبانی این دیدگاه و تحلیل این مبانی مدعیات و لوازم آن نقد و بررسی شود.

۹-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش این تحقیق عبارت است از، مکتوبات فرهنگستان و مکتوبات شفاهی متخذ از مصاحبه

۱۰-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق از تحلیل‌های توصیفی و محکمات عقلی و نقلی استفاده می‌شود.

فصل اول:

خاستگاه و مبانی

۱-۱. ضرورت ایجاد علم دینی از منظر فرهنگستان:

۱-۱-۱. مقدمه

نظرات فرهنگستان در باب دین، و رابطه آن با علم، همچنین مبانی آنها گویای این مطلب است که یکی از دغده‌های ایجاد فرهنگستان ارائه یک هندسه معرفتی برآمده از دین است که بتواند افراد را در ضمن جامعه بسوی کلمه توحید سوق دهد، از همین روی غایاتِ ذکر شده برای دست‌آوردهای فرهنگستان معمولاً داری جنبه‌های دینی است، اما وقتی بخواهیم مباحثی همچون علم دینی و جنبش نرم افزاری را در آثار فرهنگستان مورد مطالعه قرار دهیم می‌بینیم که دغده‌های دینی در این مباحث جلوه بیشتری به خود می‌گیرد و اهمیت چنین مسائلی در نگاه فرهنگستان دارای ابعاد متنوع‌تری می‌شود. هرچند در مقدمه اهمیت بحث از علم دینی به صورت کلی مطرح شد اما تدوین این بخش بجهت بررسی این بحث از نگاه فرهنگستان منعقد شده است. اهمیت ارائه علم دینی و جنبش نرم افزاری^۱ از منظر فرهنگستان داری دو جهت عمده است: در سطح بین الملل و در سطح ملی. در ادامه سعی خواهد شد این دو جهت بیان گردد.

۱-۱-۲. ضرورت تولید علم دینی در سطح بین الملل

۱-۱-۲-۱. جلوگیری از مصادره مقدورات جهان اسلام

^۱- هرچند این بحث در برخی از آثار فرهنگستان بیشتر با عنوان جنبش نرم افزاری بیان شده اما در خلال کلمات فرهنگستان می‌توان اشاراتی را پیدا کرد که این ضرورتها مختص بحث جنبش نرم افزاری نیست و شامل بحث علم دینی هم می‌شود . برای نمونه می‌توان به فصل سوم و پنجم از بخش دوم کتاب نهضت تولید علم (محمد حسن جعفرزاده) اشاره داشت.